

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

ارشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان – ۱۰/۱۰/۰۸

یادداشت:

با ابراز امتنان خدمت آقای "طارق" به خاطر فرستادن این سند که طبق اطلاع برخی از دوستان و همکاران نزدیک زنده یاد "مجید کلکانی" در آن وقت، آخرین نوشته ایشان بوده و می تواند به مثابه خلاصه ای از "وصیت سیاسی" آن اسطوره مقاومت و شهید بلند قامت تاریخ به شمار آید، خواندن این نوشته را به تمام احاد جنبش انقلابی به ویژه آنهایی که هنوز هم در جمع روشنفکران سنگ هواداری از "مجید" را به سینه زده و از اعتبار آن بزرگمرد تاریخ معاصر کشور و یاران جانبازش هزینه می نمایند تا سرخابی بر چهره های سیاه و زرد خویش بکشند؛ توصیه می نمائیم.

این نوشته مرز بین انقلاب و ارتجاع، استقلال و انقیاد، اتکاء به خود و وابستگی به غیر، مبارزه علیه دشمنان رنگارنگ مردم با دنباله روی و غلتیدن به دامن این و یا آن را، آنقدر گویا و روشن و به وضاحت بیان داشته که نه تنها توضیح اضافی را طلب نمی نماید؛ بلکه به جرأت می توان نوشت، یکی از نوشته هائیت که زمان آنرا به کهنگی نکشانیده و می تواند حیثیت یک رهنمود مبارزاتی را در مقطع کنونی نیز داشته باشد.

رهنمودی که که اگر در آن زمان به کار بستنش می توانست فرد، نهاد و یا جامعه را از دنباله روی امپریالیزم روس، غلتیدن به تسلیم طلبی ملی با سگ شکاری آنها شدن و فضله ارتجاع سیاه و اسلام سیاسی به دور نگهدارد، در مقطع کنونی که باز هم کشور ما در زیر چرخها و زنجیرهای تانکهای ناتو به خاک و خون کشانیده می شود و از طرف دیگر ارتجاع دهن دریده دندان تیز نموده تا باز هم دست آورد مردم ما را ربوده در طبق اخلاص تقدیم بادران شان نماید، چراغ راه مبارزان راستین به شمار می آید.

رهنمودی که اگر بدون تعصب و با وجدان بیدار با آن برخورد صورت گیرد، می تواند فقط خود را در خط حرکی و پاسخ پورتال یعنی "نه این و نه آن" متبارز سازد.

ما به نیکوئی می دانیم، همان طوریکه دیروز خاینان به خط "نه این و نه آن" با فراهم نمودن بهانه های بنی اسرائیلی سر از گریبان روس و ارتجاع بدر کردند، امروز نیز هستند کسانی که در اساس با خط حرکی پورتال توان همراهی ندارند؛ مگر این شرافت را نیز ندارند که یا در تقابل با آن پا پیش نمایند و یا صبورانه خود را کنار بکشند و در عوض می کوشند، تا به اشکال مختلف مانع تکامل کار پورتال گردند.

ما با اعتقاد راسخی که به درستی راهمان "نه این و نه آن" داریم؛ به نبرد خویش ادامه می دهیم و کمترین هراسی از بهانه های بنی اسرائیلی مشتی مریض و وامانده سیاسی نیز نداریم.

اداره پورتال AA-AA

در سنگر اعتصاب ببر انقلاب خفته است

خشم و انزجار عمیق مردم آزاده مادر برابر اشغال رهنزانه میهن عزیز را توسط سوسیال فاشیسم جنبشهای اعتصابی دامنه داری را در سراسر کشور برانگیخت.

"ببرک" رو به نگرین کرد که با جنباندن دم خود میتواند مردم را قریب دهد و شبخون گرگه دهند و دیده سوسیال فاشیسم را بر میهن ما، یعنی آن دفاع از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان توجیه نماید. او بر شهادت جانبازان راه آزادی میهن مزورانه نحوه سوید هد تالک تنگ جاودان را از دامن یاد ارخود برد آمدن سیاه "سیا" پاک کند. او از مردم تقاضا میکند تا در کشف زندانهای مخفی "امین" جلاد با سگهای بویکشا و همکاران کنند. در حالیکه ساطور خونین "امین" جلاد "اقای سروری" - کسه دیروز همرا سیرکتشند را نیز در پیش پیشش برهنه میکرد - امروز برچم سروری ببرک را بدوش میکشد و وزیر شکیفه و کشتار "اقای" مزدور بار "هم اکنون یا ریزد و روساست و وزیر سرکوب ملی، "اقای" وطنجار "وطن را در قدم روسا شغالگر" حار نموده است و همه اکنون وزیران دست راست و دست چپ "اقای" تزاریل هستند و با هم به شکرانه دلالتی کشور به پا دارند خود پیاله سرمیکشند. "ببرک" میهن فروش برچکه های خون الود رهنزان روسی - بنم ناجی ملت افغانستان - بوسه میزند. در حالیکه آنها، شب و روز، بجان و مال و ناموس مردم - حتی دپیوهای سلاح، بانگها و تارنایاب موزم و تحویلخانه های ارگ - آشکارا دستبرد میزنند تا خرج چرسو مرزگی خود را دارند. "ببرک" چشم پارلشکرکشی سوسیال فاشیسم را بر میهن ما بنظر جلوی گیری از "مداخله بیگانگان" وانمود میسازد. در حالیکه قشون اشغالگر روس قطعات اردوی افغانستان را محاصره نموده، گرمه و پای سبانی عروسک "برزنیف" را به عهده دارد و بر سنگرهای تسخیرناپذیر جهاد ملی، در داخل کشور، آتش بیبارد. از نیروست که دم "رویه" در تلک تجربه مردم گیر میافتد. مردم میبینند که گرگ وحشی روس در کشار تلک ایستاده و برای دفاع از "رویه" در مانده بر مردم چنگال و دندان نشان میدهد و میگرد. مردم در می یابند که روس رهنز ناجی و پشتیبان آنها نیست بلکه دشمن سوگند خورده خالکونا موس و هستی آنهاست. مردم میدانند که جنایات "امین" جلاد فقط یک تجربه ناکام پیش درآمد و بهانه اشغالگری روس بود و پس مردم میبندند که مرحله نوین کودتای تور، با تیرنگهای رسواترو و تحریف جسام گسیخته تر، آنجا که پای نوامیس و مقدسات ملتی در میان است، از مایش خونین تری را در برابر آنها قرار میدهد. دیگر مردم "رویه" اغزش "گرگه" حتی فرمان آتش بس طبیعت - برف سنگین - هم نمیتوانست خشم کوهکن مردم را مهار کند. دیگر تنهاتنگ، بازبان آتشین خود، نمیتوانست ترجمان خشم توفان زاری مردم باشد. سنگرها باید گسترده تر میشد، تا شور انقلابی مردم در اشکال و سطوح دیگر رزمجوی تجلی یابد. هنگامیکه عروسک "برزنیف" رخسار زرد خود را با سپیده و سرخاب وطن دوستی و "ملت نوازی" آرایش میکرد جنبش اعتصابی - همپای خروش سلسلهها - در هر گوشه کشور: در هرات، قندهار، بغلان، قندز، ننگرهار و... نفرین برحق ملت را بروی نثار نمود.

در چنین فضای پر شور حماسی رزمندگان سازمان ازاد بخش مردم افغانستان از مردم دلیر کوهدها من درخواست نمودند که بخاطر بزرگداشت از خاطره فنا ناپذیر شهادت را ازاد میهن، اظهار همبستگی با مجاهدین جانباز سراسر کشور و اعلان نبرد تا پای جان با اشغالگران روسی به اعتصاب سه روزه - از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ دلو - دست زنند. مردم این درخواست رزمده را با شور میهند و ستانه پاسخ گفتند. در میان تنهاتنگ سرورس اعتصاب، شکن، که با شیشه های تیرباران شده و جمل، مجروح بی احساس در مراکز رمانده جا سوسی و پولیسی "مرکز سرگردان" بود، حالت مسخره ایرابه نمایش میگذاشت و بزبان حساب عاقبت عناصر بی وجدانی را پیشگویی میکرد که در کارزار خونین جنگ ازادی، بخاطر منافع حقیر خود تیرد شمن را دست میدهند. هستند خشک مغزان بی عملی که در جوشا جوش رستاخیز خونین مردم سراسر کشور و راهگیری متلاطم جنبشهای اعتصابی و تظاهرات تیرور انقلابی جواسیس خود فروخته ایرا، که هزاران فرزند رزمده مردم را به دم ساطور جلاد سپرده و در دادگاه خشم عادلانه مردم محکوم به اعدام اند، "تروریزم" تلقی نموده و تخطئه مینمایند. تا بر فالج مژمن و دمان ناپذیر خود - به بهای دفاع از جنایت - سو پیش نهند. ننگ!

اوچگیری و گسترش همزمان جنبش اعتصابی در شهرها و روستاهای کشور، در قمر زمستان، بهار سرخی را نوید میدهد. جنگ ازاد بخش ملی مایک جنگ اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و روانیست. پیروزی این جنگ خواهان سهمگیری مردم سراسر کشور، با تمام هستی خود، در تمام عرصه ها و سنگرهای مبارزه است. دامنه جهاد و اشکال آن باید چنان گسترش و تنوع یابد که هر فرد کشور بتنا سب امکانات خود بتواند دشمن را ضربه زنده و جنبش مقاومت را از جهتی یاری رساند. در عین حال تمام مجاهدات مردم باید سازمان یافته، هماهنگ و متمرکز باشد تا هیچگونه خالیگه و روزنه گریز برای دشمن باقی نگذارد.

در مرحله اول کودتای ثوریک بخش مردم سلاح بدست در برابر فاشیسم غول آسای جنگی روس جانبازانه میرومیدند و بخش بزرگ مردم، با تاسف از تنگ سلاح ندارند. و با این توقع فریبده که در یک روز "نوووز" یا یک شب "لیله القدر" خضر کانی بسروقت آنها خواهد رسید و به آنها سلاح توزیع خواهد کرد - نقش تماشاگر "هراسناک" را بازی نمیکردند و چه بسا که در تجلیل های فرمایشی برای دشمن "هورا" میکشیدند. در جنبش اعتصابی، که در گام دوم به تظاهرات بالامرود، مردم سلاح شکست ناپذیر خود - سلاح اتحاد - برآ مییابند.

اعتصاب و مظاهره که با کاراگاهانه و متشکل تدارک و آغاز میشود، بنوبه خود در سیج و آگاهی اقشار وسیع مردم نقش برآورنده دارد. وقتی مردم با سلاح آگاهی و اتحاد مجهز شوند تمام لشکرها و سلاح های خونریز روی زمین در برابر آنها تاب نمی آورند. مرگ بردن دانتش! مرگ بردن وحشت!

مشخصه جنبش های اعتصابی و تظاهراتی مردم ما در اینست که بر زمینه جنگ خونین میهنی شکوفا شده و بجای آنکه پیش در آمد مبارزات مسلحانه مردم باشد ادامه و دنباله هماهنگ است. از نیرو دارای پهنای ملی و جهت گیری مبارزه جوانانه است و احتمال لغزش آن در منجلاب تسلیم طلبی ملی بعید بنظر میرسد. سوسیال فاشیسم روس که در این پست پرده در نهان در تضاد بود و نبود خود گرفتار است اگر این جنبشها را که ناگزیر باید سنگرها را یکی پس دیگر تخلیه نموده و بیجا سوا کنند گی سزاوار خود عقب نشینند و اگر بخشونت متوسل شود اقشار وسیع مردم را به سنگزیر مسلحانه کشاند و مگر خود را به دست خود میکشد. برعکس مردم با تجربه اندوژی در نشیب و فراز یکار، روز تا روز با اعتماد بخود و اتکا بخود دست یافته نتها پوزه خون لودگتا روبرو با خاک خواهند مالید بلکه توطئه های شیطانی را ست جوانان وابسته به امپریالیسم غرب را نیز نقش بر آب خواهند ساخت.

چه حیوانانه و خائنانه است نحوه جفدا سازی آنان که به امواج خروشان قهر مردم دست گیری درست نهایی آن باور ندارند و راه رستگاری و نجات رانه سیا سرم، بلکه بایک دشمن علیه دشمن دیگر سراغ بینمایند و یا از بیم دود دشمن گوشه گیری و انزوا یی در سر را در پیش میگیرند.

ادامه و گسترش اعتصابها و تظاهرات مردم دشمن را از لحاظ اقتصادی، سیاسی و روانی دستخوش فرسودگی باز هم بیشتر نموده، پیوند خط مقدم جبهه را با پشت جبهه و همبستگی مناطق آزاد را با مناطق تحت سلطه دشمن دستخوشتر میسازد و بسا نمیدان روحیه مبارزه جوشی در اقشار وسیع مردم، از طریق نشان دادن عکس العمل های فوری و مناسب در برابر مانورهای دشمن، ابتکار عمل را پیوسته در دست مردم قرار میدهد. با استفاده از این ابتکار و تمهید روحیه هبستگی در بین مردم و مناطق مختلف و ایجاد ضربات پیهم و متمرکز دشمن چون خربش وحشی، در میان جنگل آتش گرفته، محصور میشود و دیگر نمیتواند خیزشها و جنبشهای منفرد مردم را با نیروی برتر سرکوب نماید و با استفاده از "ارامش" یک بخش مردم بخش دیگر را در دام لوده ارتجاع و استعمار غرب قنداد نماید.

از نیروست که نقش روشنگری، تدارک، برانگیختن و رهبری نیروی آگاه و متشکل جامعه در این عرصه نبرد نیز، با تکیه بر طغیانه ها، اهمیت حیاتی پیدا میکند. آئین جلاد با تیغ خون چکان استعمار روس گشود نموده ها را از فرزندان آگاه شان محرم سازد تا زمینه یغماگری پیدا در سر بباد آرهن خود را آماده نماید. همانند اوسیه دلال مرتجع، با سوختن یکب ها و ترور جوانان فرزانه تلاشی دارند تا جبهه سیاه و تنگین گدشته را با وجود یگانه خیانتهایند تجربه خونین و سال گدشته نشان داد که مردم در گزوه راه بر پیچ جنگ آزادی بدون چراغ علم - بدون فرزندان آگاه، جانناز و رهگشای خود - از میان دامهای دشمنان رنگارنگ با اطمینان بسوی پیروزی نمیتوانند ره کشایند.

جنبشهای اعتصابی و تظاهراتی مردم مانیز، مانند یکا و مسلحانه آنها، با همه خروشنده گی و صلابتی که داشته است از تاثیر زهر آگین ماجراجویان بی مسئولیت، در برخی جاها، مضمون نمانده است. برای جلوگیری از تکرار اشتباهات و نفوذ او با شان، هیچ وجه طلبان، اخلاص گران و بهره جویان مردم آزار باید در نظر داشت که اعتصابها و مظاهره ها با تبلیغ و روشنگری کافی در بین مردم تدارک دیده شود، اصل دایم و طبع رعایت گردد، مردم در سطوح مختلف پیچ و متشکل گردند، روحیه هبستگی در بین جنبشهای مناطق مختلف تقویت گردد، زندگی روزمره مردم دستخوش اختلال و بی نظمی نگردد و جوایس و اعتصاب شکنان با شیوه های مناسب تنبیه گردند. فقط بدینگونه میتوان نیروی رزمجوانانه و پرتوان مردم را به سیلاب خروشان تبدیل کرد که بنیاد استعمار و ارتجاع را بر کنند.

هم میهنان گرامی!

در این هنگام که سراسر میهن گرامی ما به مجمر فرزان آتش شیههت دارد، با استفاده از سکوت نسبی برخی مناطق چنین وانمود میکنند که مردم افغانستان شغال نظامی میهن خود را به عنوان مسخره نجات افغانستان استقبال میکند! تو گوئی که هیچ انسان آگاه، شرافتمند، میهن دوست و یکار وجود بین سبزی زمین وجود ندارد.

نگذاریم که خوکهای روسی بر سیمای تابناک نیاکان آزاده ما، بروان شهدای راه آزادی ما و بر خون های سسرخ سنگرهای جهاد ما لجن پاشند. اکنون وقت آنست که هر منطقه از با تدارک اعتصاب های اعتراضی را ننگ استعمار روس خط فاصل بکشد و روحیه قهرمانی را که به طور خونین آئین جلاد هم نتوانست انرا خفه سازد آشکارا، بار دیگر تیار دهد. مالکه ننگ استعمار روس را از دامن پاک میهن با خون خود خواهیم شست.

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

۵۸-۱۲-۳

نکته بر طرف